Two Quarterly Scientific
Doubt-research Journal of Quranic Studies

Two Quarterly Scientific
Doubt−research Journal of Quranic Studies

ISSN Print: 2980-7727
Online: 2717-3879

Revisiting the Interpretation of the Qur'anic Verse "Yakhruju min bayni al-ṣulbi wa al-tarāʾib" in Response to Dr. Soha's Objections

Samad Esmi Qiyahbashi [1]

1. Assistant Professor and Faculty Member, University of Qur'anic Sciences and Knowledge.
esmi@quran.ac.ir

Abstract

.Verse 7 of Surah al-Tariq is among the controversial Qur'anic verses concerning human creation. Owing to the various possible interpretations it allows, the verse has long been a subject of exegetical and scientific debate. The ambiguities primarily concern three issues: first, the meanings of the key terms; second, the antecedent of the pronoun in the verb yakhruju ("emerges")—whether it refers to māʾin dāfiq ("a gushing fluid") emerging from between the two, or to the human being himself; and third, whether the anatomical structure described applies exclusively to men, to women, or to both. These ambiguities have led some exegetes to interpret the verse as referring to semen emerging from the man's back and the woman's chest, or to similar meanings. Such interpretations appear inconsistent with established findings in modern embryology and have consequently become a basis for objections raised by critics of the Qur'an. Employing an analytical-critical method and drawing on intratextual evidence and the contextual flow of the verses, the present study proposes a new and coherent reading. The findings indicate that the central theme of the surah is the affirmation of resurrection through three observable and recurring natural phenomena: the emergence of the fetus from the womb (the verse under discussion), the return of rain from the sky (verse 11), and the growth of plants from the earth (verse 12). In light of the context, the pronoun in yakhruju refers to the human being rather than to māʾin dāfiq, just as the pronouns in the subsequent verses also refer to the human being. Other Qur'anic passages, including 22:5, 80:19–20, 16:78, and 40:14–23, further support the interpretation that the verse concerns not the origin of the formation of the reproductive fluid, but rather the process of childbirth and the fetus's passage through the mother's lower back region (ṣulb) and chest area (tarāʾib). This interpretation is compatible with contemporary scientific knowledge and clearly demonstrates the surah's thematic coherence in linking initial creation with resurrection and re-creation.

Keywords: Stages of Development, Embryology, Ṣulb, Tarāʾib, Māʾ Dāfiq.

Research Article

Received: 2025/12/27 ; **Received in revised from:** 2026/02/09 ; **Accepted:** 2026/02/22 ; **Published online:** 2026/02/24

©The Author(s). **Published by:** Department of Qur'anic Exegesis and Sciences

shobhe.quran.ac.ir

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دوفصلنامه علمی شبهه پژوهی مطالعات قرآنی
شبهه پژوهی
ISSN Print: 2980-7727 Online: 2717-3879

بازخوانی تفسیر آیه «یخْرُجُ مِنْ بَینِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ» با پاسخ به شبهات دکتر سها

صمد اسمی قیه باشی [1]

۱. استادیار،عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. esmi@quran.ac.ir

چکیده

آیه هفتم سوره طارق ازجمله آیات بحث‌برانگیز در حوزه آفرینش انسان است که به دلیل پذیرش احتمالات گوناگون، همواره محل نزاع تفسیری و علمی بوده است. نخست ابهام در واژگان. دوم ابهام در ضمیر فعل «یخرج» (آیا «ماءٍ دافِق» از میان آن دو خارج می‌شود یا خود انسان؟) و سوم، ابهام در اینکه این ساختار تشریحی مختص مرد است یا زن یا هر دو. این ابهامات موجب شده است که برخی مفسران، آیه را به خروج منی از پشت مرد و سینه زن و معانی شبیه آن تفسیر کنند که با یافته‌های قطعی جنین‌شناسی نوین ناسازگار است و دست‌مایه شبهه‌افکنی مخالفان قرآن گردیده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-انتقادی و با تکیه‌بر قرائن درون‌متنی و سیاق آیات، خوانشی نو و منسجم ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که محور اصلی سوره، اثبات معاد از طریق سه پدیده عینی و تکراری در طبیعت است: خروج جنین از رحم (آیه موردبحث)، بازگشت باران از آسمان (آیه ۱۱) و رویش گیاهان از زمین (آیه ۱۲). بر اساس سیاق، ضمیر در «یَخْرُجُ» به «انسان» بازمی‌گردد، نه به «ماءٍ دافِق»؛ چنان‌که ضمایر در آیات بعدی نیز به انسان برمی‌گردد. همچنین آیات دیگر قرآن (حج/۵، عبس/۲۰ ـ ۱۹، نحل/۷۸ ، غافر/ ۲۳-۱۴) مؤید این معناست که آیه موردبحث، نه به منشأ شکل‌گیری نطفه، بلکه به فرایند زایمان و گذر جنین از ناحیه کمرگاه مادر (صلب) و قفسه سینه (ترائب) اطلاق می‌شود. این تفسیر، هم با علم امروز سازگار است، هم انسجام موضوعی سوره را در پیوند میان آفرینش نخستین و بازآفرینی رستاخیز به‌خوبی نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: مراحل رشد، جنین‌شناسی، صلب، ترائب، ماء دافق.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ | **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ | **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ | **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۲/۵

© نویسندگان **ناشر:** دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
shobhe.quran.ac.ir

۱. بیان مسئله

ازجمله چالش‌های تفسیری در عصر حاضر، شبهات علمی پیرامون آیات قرآن کریم است که با گسترش دانش‌های تجربی، ابعاد تازه‌ای یافته است. یکی از این شبهات، در کتاب «نقد قرآن» اثر دکتر سها، ذیل آیه ۷ سوره مبارکه طارق مطرح‌شده است. دکتر سها با استناد به ظاهر آیات ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ يخْرُجُ مِنْ بَينِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ﴾ (الطارق/۷ـ۶) و برخی تفاسیر، منشأ آب جهنده را از میان ستون فقرات و استخوان‌های سینه بیان کرده و آن را تعارض با علم امروزی دانسته و گفته است: «امروزه مشخص است که منی در بیضه‌ها ساخته می‌شود و در کیسه منی ذخیره می‌شود و از مجرای ادرار خارج می‌شود و محل ساخت و مسیر خروج آن هیچ ربطی به ستون فقرات و سینه ندارد» (سها، ۱۳۹۳ش: ۵۸) هم‌چنین آیه مبارکه ﴿يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ به دلیل پذیرای احتمالات گوناگون از دیرباز محل اختلاف‌نظر مفسران نیز بوده است: تعیین مصداق «صُلب» (ستون فقرات) و «ترائب» (دنده‌ها یا استخوان‌های سینه)، ابهام در ضمیر فعل «یخرج» (آیا «ماءٍ دافِق» از میان آن دو خارج می‌شود یا خود انسان؟) و نیز ابهام در شمول یا اختصاص این توصیف به جنس مذکر یا مؤنث، فهم آیه را با چالش جدی مواجه ساخته است؛ بنابراین روشن نمودن مراد از آیه و ارائه پاسخ مستند و مستدل به شبهه موردنظر و اتمام‌حجت بر مخالفانی که با تمسک به ظواهر آیات، به دنبال خدشه‌دار کردن وحی هستند و ارائه چارچوبی روشمند برای مواجهه با سایر شبهات علمی-قرآنی ضرورت این پژوهش را دوچندان نموده است.

۲. پیشینه پژوهش

آیه ۷ سوره مبارکه طارق، از دیرباز موردتوجه مفسران و پژوهشگران قرآن بوده و در دوران معاصر، به‌ویژه با طرح شبهات علمی درباره خروج منی از میان صلب و ترائب، محل نزاع آراء قرارگرفته است. در این راستا، پژوهش‌های متعددی به تفسیر و نقد دیدگاه‌های مفسران پیرامون این آیه موردنظر پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

نوبری و نصیری (۱۳۹۰) در مقاله «آفرینش انسان از نگاه قرآن با تأکید بر آیات سوره طارق» آیات سوره را با استناد به دیدگاه مفسران فاقد نکته علمی دانسته و «ماء دافق» را از خصوصیات نطفه مرد و صلب و ترائب را به جنس مرد اختصاص داده و احتمالات دیگر را نپذیرفته است. اما اینکه چگونه نطفه انسان از میان صلب و ترائب خارج می‌گردد؟ هنوز جزو ابهاماتی است که توجیه علمی ندارد.

قربان پور (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و نقد ترجمه های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق» با بررسی ترجمه‌ها سعی در بیان معادل مناسب برای واژگان آیات است. اما نتایج پژوهش همانند برخی تحقیقات، «ماء دافق» را مختص نطفه مرد و خروج آن میان پشت و قفسه سینه می‌داند. این دیدگاه دلیل و توجیه علمی ندارد و شبهاتی نیز برآن وارد است که در این پژوهش بررسی خواهد شد. آقائی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی و نقد آراء مفسران پیرامون اعجاز علمی صلب و ترائب در قرآن کریم» سعی نموده است اشکال را بر اساس نظر علمی حل نماید و مراد از صلب را استخوان خاجی و ترائب را استخوان عانه که در روبروی آن است، می‌داند. اما بیان این معنای علمی تکلف آمیز بوده و دلیل معتبر لغوی ندارد و با سیاق و اغراض سوره مبارکه طارق هماهنگ نیست. برخی دیگر چون برومند (۱۳۸۸) در مقاله «نقد آراء مفسران درباره مفهوم آیه یخرج من بین الصلب و الترائب» نتایج خوبی به دست آورده و سعی نموده است دیدگاه مفسران را که فاعل «فعل» که به «ماء دافق» برمی‌گردد، نقد نماید و اما بااین‌وجود «ماء دافق» را جزو خصوصیات نطفه مرد دانسته است و از میان دیدگاه‌ها، مراد از آیه موردنظر را مرحله خروج جنین از رحم دانسته است و دلایلی نیز بر آن ذکر نموده است. امامی میبدی و صحرایی اردکانی (۱۴۰۰) نیز در مقاله «نگرشی نو پیرامون آیات ۵ تا ۷ سوره طارق با تأکید بر نقد آراء موجود» هرچند با توجه به موضوع و سیاق درونی آیات به بررسی آیه پرداخته است. اما در دیدگاه عجیب مراد از «ماء دافق» را حرکت سریع آب از میان سنگ و خاک‌ها دانسته و به آیاتی از قرآن برای خروج چشمه‌ها از لایه‌های زیرزمین استناد نموده است و مراد از صلب که نماد سختی و محکمی است، سنگ و ترائب را که نماد نرمی است، خاک‌ها می‌داند و دلیل آن را امر تشبیه برای امر خروج انسان از قبر برای روز معاد بیان کرده است. مهم‌ترین اشکال این دیدگاه تعارض با سیاق آیات و معنای واژگان از فرهنگ لغات معتبر است. کاربردهای مختلف «ماء» به یک معنا دانستن خلاف سیاق آیات است و آیه به‌صراحت از پیدایش انسان سخن گفته که از «ماء دافق» نشئت می‌گیرد، و آن را امر تشبیه و مراد از آن را آب‌های چشمه دانستن، معنای دور از ذهن و خلاف ظاهر است. زاهدی و همکارن (۱۳۹۷) نیز در مقاله «بررسی شبکه معنایی نطفه در قرآن کریم با پاسخ به شبهات» به بررسی آیه موردنظر نپرداخته است؛ اما از جهت پاسخ به شبهات سها درباره مراد از عبارت قرآنی «ماء دافق» که به بررسی معنای لغوی و دیدگاه مفسران و دیدگاه علمی درباره نطفه انسان پرداخته، مفید است.

باوجود پژوهش‌های یادشده، این پژوهش سعی دارد معنای شناسی واژگان را از فرهنگ لغات معتبر و علم امروزی بررسی نماید و به همراه نقد آراء مفسران و مترجمان، بر اساس قرائن کلامی به شبهه مطرح‌شده نیز پاسخ ارائه نماید.

۳. معناشناسی واژگان

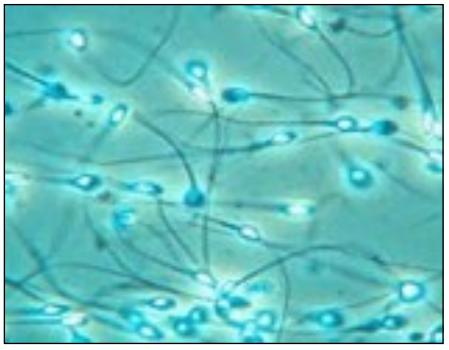
محل نزاع اصلی در دیدگاه مفسران و شبهه مطرح‌شده این است: آنچه از میان صلب و ترائب خارج می‌گردد؛ «ماءٍ دافِقٍ» است که در آیه قبلی آمده است و این‌که آیا اختصاص به منی مرد دارد یا زن و مرد هردو؟ همین احتمالات و پیش‌فرض‌ها سبب دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متعارض از آیات موردنظر شده است. بنابراین لازم است قبل از ورود به بحث اصلی، «ماءٍ دافِقٍ» و واژگان مهم آیه موردبررسی قرار گیرد.

الف) معناشناسی «دافق»

واژه «دافق» از واژگان تک کاربردی است و تنها یک‌بار در قرآن کریم در وصف «منی» به‌کاررفته است: ﴿خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ﴾(طارق/۶)، دافق اسم فاعل از ریشه «دفق» و در فرهنگ لغات به معانی متعددی آمده است. آب یا نطفه که یک‌باره بریزد (فراهیدی، بی‌تا: ج ۵: ۱۲۰). با توجه به اینکه «دافق» به‌صورت اسم فاعل چگونه می‌تواند صفت «ماء» باشد؛ برخی ازجمله فرّاء و کسایی گفته‌اند: «دافق» یعنی «مدفوق» و اهل حجاز فاعل را زمانی که صفت واقع شود به معنای مفعولی می‌آورند، مثل «سرٌّ کاتم یعنی مکتوم» (ازهری، بی‌تا، ج ۹: ۵۲؛ جوهری، ۱۴۲۵ ق: ج ۴: ۱۴۷۵) برخی دیگر از نحوییون، مثل ابوجعفر نحاس آن را رد کرده و معتقد است که صفت فاعلی به‌جای صفت مفعولی به کار نمی‌رود، اگر این‌گونه باشد، جایز است ضارب به معنای مضروب باشد (حمیری، بی‌تا: ج ۴: ۲۱۱۹). «دافق» به‌معنای جمع شدن و مختلط شدن نیز آمده است: «جَاءَ الْقَوْمُ دُفْقَةً أَی مُجْتَمِعِین»(ابن منظور، بی‌تا: ج ۳: ۵۰۰؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۱۹۷). یکی دیگر از معناهایی که اکثر لغت‌دانان بیان کرده‌اند، به معنای متحرک و سریع است و آن زمانی است که بخواهند چگونگی حرکت یک چیزی را بیان کنند؛ «سیرٌ أَدْفَقُ» أی سریعٌ، یعنی حرکت سریع، «سار القومُ سیراً أدفَقَ»(ابن درید، ۱۹۸۸ م، ج ۲: ۶۷۲؛ ابن سیده، بی‌تا: ج ۷: ۱۲۶) أی سریعاً.

در بررسی معنای علمی این واژه باید گفت یکی از قرائن مهم در تفسیر واژگان و آیات، لزوم توجه به یافته های قطعی علوم تجربی است (بابایی، ۱۳۹۷ ش: ۲۲۰)؛ بنابراین ضرورت دارد خصوصیات نطفه مرد و زن از نظر علم پزشکی نیز

بررسی گردد و اگر معنای متناسب با فرهنگ لغات معتبر بود به عنوان مویّد معناشناسی ذکر گردد: ازنظر علم جنین‌شناسی اسپرم‌هایی که در مایع منی مرد وجود دارند، زنده و متحرک هستند. وقتی اسپرماتوزوئیدها به نمو کامل برسند، به فضای داخلی لوله‌های منی ساز وارد می‌شوند؛ سپس عناصر انقباضی موجود در دیواره لوله منی‌ساز، اسپرماتوزوئیدها را به‌طرف اپیدیم‌ها هدایت می‌کند؛ اگرچه اسپرماتوزوئیدها در ابتدا حرکت مختصری دارند؛ اما در طول اپیدیم به حداکثر توان حرکتی خود دست می‌یابند (سادلر،۱۳۹۴ ش: ۵۳) بنابراین از زنده و متحرک و سریع بودن اسپرم‌ها به‌عنوان شرط باروری یادشده است (زندانی، ۱۴۳۲ ق: ۳۵) (بنگرید به شکل الف)



(شکل الف)

اما مایعی که از زن ترشّح می‌کند دو نوع است: یکی مایع سیال و روان که حرکت تخمک را هموار می‌کند و نقشی در پیدایش جنین ندارد و دیگری مایع متحرک که ماهیانه یک‌بار از تخمدان به‌طرف لوله رحمی خارج می‌گردد که دربرگیرنده نطفه زن است (سعدی ۱۴۱۴ ق: ۴۳ ـ ۴۲، زاهدی و همکاران، ۱۳۹۷ ش: ۲۰۲).

ازنظر علم جنین‌شناسی، اسپرم از خود حرکت ذاتی دارد؛ ولی تخمک زن از خود حرکت ذاتی ندارد بلکه در مدت کوتاهی قبل از تخمک‌گذاری، شرابه‌های لوله رحمی شروع به جارو کردن سطح تخمدان می‌کنند و خود لوله رحمی هم شروع به انقباضات منظم می‌کند. پژوهشگران بر این باورند که این حرکات جارو کننده شرابه‌ها و حرکات مژک‌های روی مخاط لوله رحمی است که اووسیت احاطه‌شده را به داخل لوله رحمی منتقل می‌کند. پس از قرار گرفتن اووسیت در لوله رحمی، انقباضات عضلانی لوله رحمی و نیز حرکت مژک‌های روی مخاط لوله، آن را با سرعتی که توسط عوامل درون‌ریز در جریان و پس از تخمک‌گذاری قابل تنظیم است، به جلو می‌رانند. در انسان، اووسیت لقاح

یافته طی تقریباً ۳ تا ۴ روز به فضای رحمی می‌رسد (سادلر، ۱۳۹۴ ش: ۵۹ ـ ۵۸) (بنگرید به شکل ب)



(شکل ب)

تحلیل و بررسی: یکی از معنای واژه «دافق» «جمع و مختلط شدن» بیان شد. اگر بر طبق معنای «جمع و مختلط شدن» باشد، به معنای «اجتماع و آمیختگی گامت نر و ماده» است. ممکن است به ذهن خطور کند که اگر منظور، گامت نر و ماده بوده است، چرا در آیه از لفظ تثنیه استفاده ننموده و نگفته است: «خلق من مائَین دافقَین». دلیلش این است که هر دو مایع (مرد و زن) در رحم درهم می‌آمیزند و در آغاز آفرینش با هم متحد می‌شوند؛ پس آیه با ظرافت به آمیزش دو عامل باروری در زن و مرد اشاره نموده که از اتحاد و آمیختگی آن دو، پیدایش جنین حاصل می‌گردد (نورمحمدی، ۱۳۸۸ ش: ۱۱).

برخلاف دیدگاه لغت دانان و برخی مفسران، «دافق» که به‌صورت اسم فاعل آمده، معنای مفعولی «مدفوق» از آن به کار می‌برند، به نظر می‌رسد که معنای «متحرک و سریع» برای واژه «دافق» که هم در فرهنگ لغات هم در علم جنین‌شناسی آمده است دقیق‌تر باشد؛ یعنی «دافق» به‌صورت اسم فاعل به حرکت «ماء» دلالت دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، این مایع سیال و روان، متحرک و سریع است و از آن به‌عنوان شرط باروی یادشده است؛ بنابراین هر دو معنای «مایع مختلط» یا «مایع[1] متحرک» با عبارت قرآنی «ماءٍ دافِقٍ» و با آنچه در علم جنین‌شناسی

۱. درخصوص کلمه «ماء» گفته شده است: به چیزی که سیال و روان است به طور مطلق مایع گفته می شود (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۱۱: ۲۲۰) و در کاربرد قرآنی معانی متفاوتی دارد: آب آشامیدنی (بقره/۲۲)، مایع مذاب (کهف/۲۹) و مایع حیات (آنجایی که برای خلقت انسان به کار رفته است: (طارق/۶ و سجد/۸).

درباره شرایط باروری برای نطفه مرد و زن آمده است، کاملاً هماهنگ است و این مطلب می‌تواند از پیش‌گویی و اعجاز قرآن کریم باشد.

ب) معناشناسی «صلب»

چیزی که سخت و محکم باشد به آن صلب گفته‌اند (فراهیدی، بی‌تا، ج ۷: ۱۲۷) برخی واژه «صلب» را با «ظهر» به معنای پشت مترادف دانسته‌اند (صاحب بن عباد، بی‌تا، ج ۸: ۱۴۸). صُلب استخوانی است در پشت از مهره‌های نزدیک شانه‌ها تا استخوان دنبالچه[1] که جمع آن اصلب و اصلاب است (ازدی، بی‌تا، ج ۲: ۷۷۸؛ ابن منظور، بی‌تا، ج ۱: ۵۲۶ و شیبانی، بی‌تا، ج ۳: ۴۶) معنای دیگری نیز بر آن گفته‌اند: «هو من صلب فلان» (بستانی، ۱۳۷۵ ش: ۵۵۷) یعنی او از ذریّه و نسل فلانی است. الصُلب یعنی حسب و نژاد (بن سیده، بی‌تا، ج ۸: ۸۳۴؛ ازهری، بی‌تا، ج ۵: ۸۵). وقتی شخص دارای نژاد و حسب خالص عربی باشد به آن «عَرَبی صَلِیب» گفته می‌شود. «الصَّلِیبَةُ: الکرِیمَةُ و عَرَبی صَلِیبَةٌ: خالِصُ النَّسَبِ» (صاحب بن عباد، بی‌تا: ۱۵۰/۸) و هر چیزی که به شکل دو خط متقاطع باشد به آن صلیب گویند (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۸: ۴۳۹).

در جمع‌بندی می‌توان گفت: «صُلب» در اصل به معنای «هر چیز سخت و محکم» است و چون ستون فقرات (مهره‌های پشت) سخت‌ترین و محکم‌ترین بخش استخوان‌بندی انسان است، این واژه بر آن اطلاق شده و سپس به‌صورت استعاری به نسل، نژاد و هر چیز استوار و خالص تعمیم‌یافته است.

ج) معناشناسی «ترائب»

«ترائب» که مفرد آن «تریبه» است، چندمعنا برای آن ذکرشده است: استخوان‌های سینه، یا آنچه میان دو پستان و دو استخوان ترقوه (چنبری) قرار دارد، یا چهار دنده از سمت راست سینه و چهار دنده از سمت چپ آن، یا دودست و دو پا، یا جایگاه آویختن گردنبند (ناحیه بالای سینه)[2] (جوهری، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۹۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴: ۴۲۹).

آنچه از جمع‌بندی معنای لغوی صلب و ترائب استفاده می‌گردد، این است: صلب نماد سخت و محکمی است و برای همین به ستون فقرات، صلب گفته‌شده است و ترائب نماد نرمی است و به همین خاطر برای قفسه سینه به‌کاررفته است و به

۱. الصُّلَّبُ: «عَظْمٌ من لَدُنِ الکاهِلِ إلی العَجْب».

۲. التَّرائِبُ: عِظَامُ الصَّدْرِ، أو ما بَینَ الثَّدْیینِ و التَّرْقُوَتَینِ، أو أَرْبَعُ أَضْلاعٍ من یمْنَةِ الصَّدْرِ، و أَرْبَعٌ من یسْرَتِهِ، أو الیدانِ و الرِّجْلانِ أو مَوْضِعُ القلادة.

خاک نیز به خاطر نرمی در برابر صخره سنگ‌ها و سنگلاخ‌ها که محکم و سخت است، تراب گفته‌شده است.

٤. بررسی ترجمه‌ها درباره آیه «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ»

دیدگاه اول: اختصاص صلب به مرد و ترائب به زن: برخی مترجمان صلب را به مرد و ترائب را به زن اختصاص داده‌اند و پیش‌فرضشان این است: آنچه از صلب مرد و ترائب زن خارج می‌گردد، «ماء دافق» است:

«[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوان‌های سینه زن بیرون می‌آید» (انصاریان، حسین)

«که از میان صلب (مرد) و استخوان‌های سینه (زن) بیرون می‌آید» (مشکینی، علی)

«که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون آید» (الهی قمشه‌ای، مهدی)

برخی مترجمان دیگر ازجمله: ترجمه تفسیر طبری، خسروانی نیز همین دیدگاه را مطرح کرده‌اند (طبری، ۱۳۵۶ ش، ج ۷: ۲۰۰۸؛ خسروانی، ۱۳۹۰ ش: ج ۸: ۵۲۴).

دیدگاه دوم: اختصاص صلب و ترائب هر دو به مرد: برخی مترجمان، صلب و ترائب را به مرد اختصاص داده‌اند، هرچند که در این ترجمه‌ها به مرد تصریح نشده است؛ اما روشن است، پیش‌فرض این مترجمان نیز همان پیش‌فرض دیدگاه قبلی است یعنی معتقد هستند «ماء دافق» یعنی «آب جهنده» است که از میان صلب و ترائب مرد خارج می‌گردد:

«که از میان (استخوان‌های) پشت و پیش بیرون می‌آید»(گرمارودی، سیدعلی)

«که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود» (طاهری قزوینی، علی اکبر)

«که از میان پشت و سینه بیرون می‌آید» (آیتی، عبد المحمد)

«که بیرون میآید از میانه پشت و استخوانهای سینه» (شعرانی، ابو الحسن)

«آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود» (حجتی، مهدی)

«آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود» (مکارم شیرازی، ناصر)

«بیرون آید از بین صلب و ترائب»(طالقانی، سید محمود)

«آبی که از میان پشت و (دو استخوان) پیش (مرد) بیرون می‌آید» (رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران)

نقد و بررسی

۱. پیش فرض دیدگاه‌های مطرح‌شده این است: منشأ «ماء دافق» را صلب و ترائب می‌دانند که از میان آن دو خارج می‌گردد و لذا گفته‌اند: ضمیر فعل «یخرج»

به «ماء دافق» برمی‌گردد. اشکال علمی بر این دیدگاه وارد است که منشأ پیدایش نطفه را صلب و ترائب بدانیم؛ درحالی‌که احتمال دیگر این است که ضمیر به انسان برگردد که موضوع و محور سخن در آیات است. در بررسی دیدگاه مفسران به تفصیل و با دلایل بیشتر از آن سخن خواهد رفت.

۲. برخی ترجمه‌ها صلب را به مرد و ترائب را به زن اختصاص می‌دهند. چون پیش‌فرضشان این است که مرد و زن هر دو در پیدایش جنین نقش دارند. هرچند که این پیش‌فرض مطلب درستی هست؛ اما هیچ دلیل لغوی و قرائن کلامی بر اختصاص صلب به مرد و ترائب به زن وجود ندارد. و ازنظر علمی نیز اثبات نشده است که منشأ نطفه مرد را صلب (ستون فقرات) و نطفه زن را ترائب (قفسه سینه) بدانیم.

۳. برخی مترجمان صلب و ترائب، هر دو را به مرد اختصاص می‌دهند، چون معنای «ماء دافق» را به معنای «آبی جهنده» معنا نموده و معتقدند؛ «جهندگی» از خصوصیات ویژگی منی مرد است. درحالی‌که در معناشناسی واژه بیان شد، «ماء دافق» می‌تواند به معنای «مایع مختلط» باشد که به نقش مرد و زن، هر دو در پیدایش جنین اشاره دارد و همین اینکه «مایع متحرک» معنای درستی است. چون «دافق» صفت ذاتی «ماء» است و ازنظر علم جنین‌شناسی نیز اثبات‌شده است، نطفه مرد و زن هر دو زنده و متحرک هستند و از متحرک بودن آن‌ها به‌عنوان شرط باروی یادشده است.

۵. بررسی دیدگاه مفسران درباره آیه «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ»

با توجه به اینکه آیه پذیرای احتمالات گوناگون است مفسران نیز دیدگاه‌های متفاوت در خصوص آیه بیان کرده‌اند که بررسی آنان پرداخته می‌شود:

دیدگاه اول؛ اختصاص صلب و ترائب به مرد: گروهی از مفسران صلب و ترائب را به مرد نسبت داده‌اند: عمده‌ترین دلیل آن‌ها این است که «ماء دافق» به معنای «آب جهنده» بوده و تنها از ویژگی نطفه مرد است که حالت جهنده دارد:

آیت الله مکارم شیرازی بعد از بررسی برخی نظرات درباره تفسیر این آیه گفته‌اند: «در این آیات تنها سخن از نطفه مرد در میان است، زیرا تعبیر به «ماء دافق» (آب جهنده) درباره نطفه مرد صادق است نه زن، و همان است که ضمیر «یخرج» در آیه بعد به آن بازمی‌گردد، و می‌گوید: «این آب جهنده از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید» در ادامه فرمودند: «شرکت دادن زن در این بحث قرآنی مناسب به نظر نمی‌رسد، بلکه مناسب‌ترین تعبیر همان است که گفته شود قرآن به یکی

از دو جـزء اصلـی نطفـه که همان نطفه مرد اسـت، و برای همه محسـوس اسـت، اشاره‌کرده، و منظور از «صلب» و «ترائب» قسمت پشت و پیش روی انسان است، چراکـه آب نطفـه مـرد از میـان ایـن دو خـارج می‌شـود. درعین‌حال ممکن اسـت حقیقـت مهم‌تـری در این آیه نیز نهفته باشـد که در حد علم امروز برای ما کشـف نشـده و اکتشـافات دانشـمندان در آینده پرده از روی آن بر خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶: ۳۶۷).

مرحـوم طالقانـی در تفسـیر آیـه نوشـته‌اند: معنـای اصلـی صلـب، هـر چیـز سفت‌وسـخت و غیرقابـل نفـوذ اسـت و در اصطلاح به مهره‌های پشـت و سـپس بـه مراکـز و مجـاری نطفـه مـرد گفتـه می‌شـود. و ترائب کـه جمع تریبه اسـت در اصل لغت به معنای چیز نرم و نفوذپذیر «در مقابل صلب» و خاک مانند اسـت، سـپس بـه همیـن مناسـبت بـه سـینه و اطـراف سـینه زن آنـگاه اسـتخوان‌های سـینه اطلاق شـده اسـت: «کواعب أترابا»(نبأ/۳۳). در کلام و اشـعار عرب نیز به همین معانی آمده اسـت و بیشـتر مفسـرین نیز به همین معانی «سـینه و اطراف یـا اسـتخوان‌های آن» گرفته‌انـد و در ادامـه نوشـته‌اند: ترائـب، در ایـن آیـه بـه معنـای سـینه یـا اسـتخوان سـینه زن، شـاهد معتبر تفسـیری و لغوی نـدارد، جز آنچه در بعضی از اشـعار عرب آمده که شـاید از قبیل اسـتعاره‌های شـعری باشد. و نیز اینکه ترائب را به زن اضافه کرده‌اند، از کسـی از مفسـرین اولی جز «عطاء» نقل نشـده و مخالف صفت دافق اسـت، زیرا آیه صریحـاً می‌گوید ماء دافق، «که مخصـوص مـرد اسـت» از میان صلـب و ترائـب بیرون می‌آیـد. بنابرایـن صلب و ترائـب، هر دو را باید در دسـتگاه نطفه سـاز مرد جسـتجو نمـود (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۳: ۳۳ ـ ۳۲۹).

برخـی دیگـر از پژوهشـگران در توجیـه این‌که ماء دافـق آب جهنده بـوده و تنها بـه مـرد اختصاص دارد نوشـته‌اند: «صلب» به معنای پشـت مـرد، به‌عنوان یک مرکـز عصبـی، و «ترائـب» به معنای ما بین دو اسـتخوان ران اسـت، کـه کنایه از دسـتگاه تناسـلی مـرد دارد. پـس آیه‌ی «صلـب و ترائب» بـا نظرات دانشـمندان جنین‌شناسـی همخوانـی دارد (عبـاس نـژاد، ۱۳۸۵ ش:۵۳۲؛ رضایـی اصفهانی، ۱۳۸۱ ش: ۴۴۳).

دیـدگاه دوم؛ اختصـاص صلـب به مـرد و ترائب به زن: بر اسـاس این دیدگاه مفسـران معتقـد هسـتند آنچه از میان صلـب و ترائب خارج می‌گـردد، همان ماء دافق است. ولی صلب به مرد اختصاص دارد و ترائب به زن. طبری در تفسیرش گفتـه اسـت: صلـب یعنی صلب مـرد و ترائب یعنـی ترائب زن، ترائـب یعنی آنچه

بالای دو پستان است (جای گردنبند در سینه)(طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳۰: ۹۲). طبرسی در تفسیر خود از عطا نقل کرده که او گفته است: مراد اینجا صلب مرد و ترائب زن است چون از میان منی آن دو فرزند متولد می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰: ۷۱۵) قرطبی از ابن عباس و دیگران نقل کرده است چون پیدایش فرزند از میان مرد و زن است بنابراین صلب به مرد و ترائب به زن اختصاص دارد (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲۰: ۵). مفسران دیگری مثل ابن کثیر و محمدجواد مغنیه در تفسیر خود همین دیدگاه بیان نموده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۸: ۳۶۸؛ مغنیه، بی‌تا، ج ۱: ۸۰۲).

نقد و بررسی: اول این‌که همان‌گونه که در معناشناسی بیان شد، «ماء دافق» به معنای «مایع متحرک» یا «مایع مختلط» بوده و بیانگر ویژگی مهم نطفه مرد و زن هردو است و آیه به‌صراحت خلقت انسان را از «ماء دافق» بیان کرده است و مؤیّد نقش مرد و زن هردو در پیدایش جنین است. لذا لزومی ندارد به علت برخی معنا آن را به مرد اختصاص دهیم و پذیرش این معنا شبهه دیگر ایجاد می‌کند که آیه به نقش نطفه زن در پیدایش جنین توجه ننموده است. دوم این‌که اشکالی که بر ترجمه‌ها وارد بود بر این دیدگاه نیز وارد است و آن موضوع و سیاق آیات موردنظر است که در بخش دلایل مختار توضیح داده خواهد شد.

سوم اینکه اختصاص دادن صلب به مرد و ترائب به زن ادعای بدون دلیل است، تنها دلیل این گروه از مفسران این است که چون از اختلاط نطفه مرد و زن فرزند متولد می‌شود. بنابراین صلب را به مرد و ترائب را به زن اختصاص داده‌اند. این دیدگاه هم ازنظر علمی اثبات نشده است. و هم تعارض با سیاق آیات موردنظر دارد.

دیدگاه سوم؛ مراد از «ماء دافق» آلت جنسی جنین: مراغی نیز به گمان خود در تفسیرش ذیل آیه، از بعضی اطباء، توجیهی دقیق و علمی برای آیه نقل کرده است. از دید وی، آیه اشاره به نکته علمی دارد که در عصر نزول از همه پنهان بوده است و آن اینکه: نطفه از بیضه مرد و تخمدان زن گرفته می‌شود، و مطالعات دانشمندان جنین‌شناسی نشان می‌دهد که این دو در ابتدای امر که در جنین ظاهر می‌شوند در مجاورت کلیه‌ها قرار دارد، و تقریباً مقابل وسط ستون فقرات در میان صلب (پشت) و ترائب (پایین‌ترین دنده‌های انسان) قرارگرفته، سپس با گذشت زمان و نمو این دو عضو به‌تدریج از آن محل پایین می‌آیند، و هرکدام در موضع فعلی خود جای می‌گیرد، و ازآنجاکه پیدایش انسان از ترکیب نطفه زن و

مرد است، و محل اصلی این دو در آغاز در میان «صلب» و «ترائب» قرار دارد، قرآن چنین تعبیری را انتخاب کرده، تعبیری که در آن روز برای هیچ‌کس شناخته‌شده نبود، و علم جنین‌شناسی جدید پرده از روی آن برداشته است. به تعبیر روشن‌تر بیضه مرد و تخمدان زن در آغاز پیدایش یعنی در آن هنگام که مرد و زن خود در عالم جنین بودند در پشت آن‌ها قرار داشت. تقریباً محاذی وسط ستون فقرات بود، به‌طوری‌که می‌توان گفت دستگاه نطفه‌ساز مرد و دستگاه نطفه‌ساز زن هر دو بین صلب و ترائب بودند، ولی تدریجاً که خلقت مرد و زن در شکم مادر کامل می‌شود ازآنجا جداشده و تدریجاً به پایین می‌آیند، به‌طوری‌که هنگام تولد بیضه مرد به خارج از شکم و در کنار آلت تناسلی قرار می‌گیرد، و تخمدان زن در مجاورت رحم (مراغی، بی‌تا، ج ۳۰: ۱۱۳)؛ بنابراین این آیه اشاره ندارد به خروج ماء دافق بلکه اشاره دارد به خروج آن در زمان شکل‌گیری جنین. برخی از پژوهشگران ازجمله محمدعلی البار نیز همین دیدگاه را در کتاب خود پذیرفته‌اند (البار، ۱۴۱۵ ق: ۱۱۴).

نقد و بررسی: هرچند که این نظر از دیدگاه علمی درست است، اما پذیرش این معنا برای آیه تکلف آمیز است؛ آیه به‌صراحت تصریح دارد که انسان از «ماء دافق» آفریده‌شده است، چطور می‌توان مراد از آن را دستگاه نطفه ساز مرد و زن دانست؟ پذیرش معنای آلت جنسی مرد و زن برای «ماء دافق» و آن‌هم برای زمانی که در آغاز پیدایش در مجاورت کلیه‌ها قرار دارد، معنای دور از ذهن است و هیچ دلیل لغوی بر این معنا وجود ندارد و با سیاق و موضوع آیات نیز سازگار نیست که در دیدگاه مختار بیان خواهد شد.

دیدگاه چهارم؛ صلب و ترائب به معنای کروموزوم‌ها: بر اساس این دیدگاه منظور از صلب و ترائب کروموزوم‌هاست، به‌عبارت‌دیگر منظور از صلب کنایه از کروموزوم جسمی است که در مرد و زن مشترک است و منظور از ترائب کروموزوم جنسی است که در مرد و زن متفاوت است. داوود سلمان السعدی این نظریه را مطرح نموده و دلایلی نیز برای آن ذکر کرده است:

اول این‌که بر اساس آیه ﴿حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ﴾ (نساء/۲۳) و روایتی که از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله وسلّم نقل‌شده است که فرموده‌اند: «إن اللّه خلق للجنة أهلا وهم فی أصلاب أبنائهم وخلق للنار أهلا وهم فی أصلاب آبائهم» خود اصلاب که مفرد آن صلب است، اصل و منشأ برای آفرینش انسان است نه مخلوط چیزی که در میان صلب و ترائب وجود دارد؛ بنابراین آیه موردبحث نیز به اصل و منشأ انسان دلالت دارد. ایشان در ادامه

گفته است: چگونه ممکن است که صلب و ترائب همان کروموزوم‌ها جسمی و جنسی باشد و آن چیزی است که در زمان نزول قرآن کسی آن را نمی‌شناخت. در جواب گفته است این امر بعید نیست چون مراحل آفرینش جنین ازجمله: مضغه، علقه و غیره به‌صورت تشبیه آمده است. در زمان نزول قرآن نیز برای کسی شناخته‌شده نبود، پس در اینجا معنای لغوی مراد نیست بلکه معنای اصطلاحی مراد است، درنتیجه آیه صلب و ترائب نیز همین‌گونه است. ستون فقرات تقسیم‌شده است به ۷ مهره گردن و ۱۲ مهره سینه و ۵ مهره کمر و ۵ مهره استخوان خاجی و ۴ مهره استخوان دنبالچه، بنابراین صلب از استخوان بین شانه‌ها که بالاترین استخوان ستون فقرات که به گردن چسبیده است شروع می‌شود. یعنی ستون فقرات گردن جزو صلب نیست. تا استخوان دنبالچه یعنی تعداد مهره پشت که صلب باشد این‌گونه است:

مهره‌های سینه +کمر+ استخوان خاجی= صلب

۱۲+۵+۵=۲۲

بنابراین صلب در پشت انسان ازنظر تعداد ۲۲ و ازنظر شکل ۲۲ X که ازنظر تعداد و شکل شبیه کروموزوم‌های جسمی است که در نطفه انسان وجود دارد چه مذکر باشد چه مؤنث.

ترائب هم دلالت می‌کند بر کروموزوم‌های جنسی و عدد آن یکی است در هر نطفه مرد و زن در حین این‌که هر نطفه زن همیشه شامل کروموزوم‌های (X) است که شامل نوع (Y) نیست و نطفه مرد شامل کروموزوم‌های مذکر ((Y یا کروموزوم‌های مؤنث (X) است.

وی در ادامه گفته است: آیه صلب و ترائب درباره انسان و ولادت او نقش دارد همان‌گونه که وراثت در یک چیز ثابت‌شده است که همان کروموزوم‌ها است و چیزی این صفات وراثتی را جز (ژن‌ها) که در کروموزوم‌ها وجود دارد به جنین منتقل نمی‌کند.

آیا علم وراثت در جوهره‌اش و با کلمه موجز، جز کروموزوم‌ها می‌تواند باشد؟ اگر گفته می‌شود هو من صلبه معنایی که فوری ذهن را به‌سوی آن منصرف می‌کند این‌که: او از نسل و ذریّه اوست. نه به معنای این‌که او از پشت و کمر اوست. و گفته می‌شود «هو شخص صلیب» یعنی او دارای نسب خالصی است و «امرة صلیبة» یعنی زن کریمه‌ای که منتسب به نژاد برتری است و همین‌طور به صلب، حسب گفته‌شده است؛ یعنی او ازلحاظ اصل و اندازه یا تعداد شریف است. از سخن ما آشکار می‌گردد که برای صلب معنای مهم دیگری وجود

دارد که غیر از معنای پشت یا بعضی از قسمت پشت است که در معجم‌های لغت رایج گشته است. آن به معنای اصل و نسب است و این دلیل رساترین دلیل است بر کروموزوم‌هایی که به‌حق، اصل انسان است (السعدی، ۱۴۱۴ ق: ۵۵-۳۳).

نقد و بررسی: اول اینکه اشکال دیدگاه‌های دیگر، بر این دیدگاه نیز وارد است که مرجع ضمیر را به «ماء دافق» برگردانده است. درحالی‌که دلایلی وجود دارد که مرجع ضمیر به انسان برمی‌گردد که موضوع و محور سخن در آیات سوره مبارکه طارق است.

دوم اینکه درباره آیه ﴿حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلابِكُم﴾ و روایتی که از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله وسلّم نقل‌شده است و هم‌چنین روایات فراوانی از معصومان (نیز دراین‌باره نقل‌شده است که در آن به اصلاب مردان و ارحام زنان استناد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۶: ۳۰۲). همان‌گونه که معنای لغوی نیز آن را تأیید می‌کند، یکی از معنای صلب، خالص النسب و نژاد و نسل و ذریّه است بنابراین در آیه مذکور و آنچه در روایت آمده است به نظر می‌رسد در آن‌ها صلب به معنای نسل و ذریّه باشد و این غیر از چیزی است که در آیه صلب و ترائب مطرح است که در آن به فضایی که جنین در آن قرار دارد اشاره دارد که جنین از آن خارج می‌گردد.

سوم اینکه اگر ماء دافق بر نطفه مرد و زن که همان «اسپرم» و «تخمک» است (نویسنده نیز آن را پذیرفته است) و صلب و ترائب بر کروموزوم‌ها تطبیق داده شود. چگونه اسپرم و تخمک از بین کروموزوم‌ها انتخاب و برگزیده می‌گردد؛ درحالی‌که خود اسپرم و تخمک دربرگیرنده کروموزوم‌هاست؛ بنابراین این نظریه را نمی‌توان بر آیه قرآن انطباق داد. مهم‌تر از همه پذیرش معنای کروموزوم‌های برای صلب و ترائب تکلف آمیز است و هیچ دلیل لغوی بر آن وجود ندارد.

چهارم اینکه نویسنده سعی کرده است تعداد مهره‌ها را بر تعداد کروموزوم‌ها تطبیق دهد، برای این دیدگاه هم نمی‌توان نظر علمی توجیه کرد. چون تعداد مهره‌ها در افراد بالغ به ۲۶ قطعه می‌رسد که بدین ترتیب است: ۷ مهره گردن، ۱۲ مهره سینه، ۵ مهره کمر، استخوان خاجی۱ (که از ۵ مهره که با یکدیگر جوش‌خورده‌اند، ساخته‌شده است)، استخوان دنبالچه۲ (که از ۵ - ۴ مهره

1. Sacrum.
2. Coccygea.

کوچک به هم چسبیده که شکل مثلثی دارد تشکیل‌شده است).

دیدگاه پنجم؛ صلب و ترائب کنایه از کل بدن: برخی مفسران، صلب و ترائب امر کنایی می‌دانند؛ یعنی کنایه از کل بدن به‌عبارت‌دیگر ماء دافق از کل بدن انسان خارج می‌گردد. آلوسی در تفسیر خود آن را به‌عنوان یک احتمال مطرح کرده و گفته است: آنچه بین صلب و ترائب قرار دارد کل بدن است بنابراین این امر کنایه است از کل بدن. توجیه آن این است که ترائب دربرگیرنده قلب و کبد و صلب هم دربرگیرنده نخاع و به‌واسطه آن مغز که اعضایی هستند که در شکل‌گیری ماء دافق نقش دارند، بنابراین عبارت من بین الصلب و ترائب کنایه از کل بدن است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۰۹).

برخی پژوهشگران نیز همین دیدگاه را به‌عنوان احتمال مطرح نموده‌اند: صلب یعنی ستون پشت و ترائب هم جمع تریبه یعنی بین دو سینه یا اطراف بدن انسان: دست‌ها، پاها و این دو (صلب و ترائب) کنایه از کل بدن است و آیه موردنظر صفت ماء دافق است یعنی ماء دافق خارج می‌شود از صلب و ترائب مرد و زن که هرکدام از آن‌ها اعضایی هستند که در شکل‌گیری آنچه مبدأ برای تناسل انسان است، نقش دارند (سعدی، ۱۴۱۴ ق: ۳۲ ـ ۳۱).

روایتی نقل‌شده است که شاید بتوان آن را مؤیّد این معنای کنایی بدانیم: آیه موردبحث در روایتی طولانی در احتجاج امام صادق علیه‌السلام با اهل زنادقه و مخالفین نقل‌شده است و امام علیه‌السلام در پاسخ قیاس میان منی و بول که کدام کثیف‌تر است؟ از قیاس در احکام نهی فرموده و درباره فلسفه غسل برای خروج منی فرمودند: چون منی از کل بدن خارج می‌گردد و بنابراین بعدازآن غسل واجب می‌شود: «وَ قَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى الْغُسْلَ مِنَ الْمَنِي دُونَ الْبَوْلِ ثُمَّ قَالَ لِأَنَّ الْمَنِي اخْتِيَارٌ وَ يخْرُجُ مِنْ جَمِيعِ الْجَسَدِ» در ادامه روایت، ابوحنیفه از آن حضرت سؤال می‌کنند، چگونه از کل بدن خارج می‌گردد درحالی‌که خداوند فرموده‌اند: از میان صلب و ترائب خارج می‌گردد؟ امام صادق (علیه‌السلام) در جواب او به‌صورت انکاری فرمودند: «آیا فرموده است که از جای دیگر خارج نمی‌شود؟ [فقط از همین دو جا خارج می‌شود؟]. «قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ كَيفَ يخْرُجُ مِنْ جَمِيعِ الْجَسَدِ وَ اللَّهُ يقُولُ يخْرُجُ مِنْ بَينِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَهَلْ قَالَ لَا يخْرُجُ مِنْ غَيرِ هَذَينِ الْمَوْضِعَين» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۷: ۳۳۱).

نقد وبررسی: ممکن است در توجیه این دیدگاه گفته شود: منی در حقیقت عصاره‌ای است که از تمام اجزای بدن انسان گرفته می‌شود. بر این اساس، ذکر

«صلب» (پشت) و «ترائب» (سینه/جلو)، اشاره‌ای کنایی به تمام پشت و تمام پیش‌روی انسان است که نماینده‌ی کل بدن می‌باشند.

اشکالی که بر دیدگاه‌های قبلی وارد بود که صلب را به مرد و ترائب را به زن یا هر دو را به مرد اختصاص می‌داد در این دیدگاه نیست. اما این‌که چرا صلب و ترائب را به‌صورت مجاز به‌کاربرده و مراد از آن کل بدن است نیاز به قرینه دارد؛ هرچند که در روایت نیز به آیه موردبحث اشاره‌شده است؛ اما روایت را نمی‌توان به‌عنوان تفسیر آیه ذکر نمود و هیچ‌کدام از تفاسیر روایی در ذیل آیه به این روایت اشاره نکرده‌اند؛ چون موضوع روایت در خصوص مقایسه میان بول و منی است که فلسفه غسل را بیان می‌نماید و در پاسخ امام علیه‌السلام به ابوحنیفه، که خروج منی فقط از میان صلب و ترائب باشد، انکار شده است. اگر قراین و دلایل دیگری باشد این دیدگاه را به‌عنوان احتمال تفسیری می‌توان مطرح نمود.

دیدگاه ششم؛ خروج جنین از میان صلب و ترائب: مأمون شفقه تفسیری غیرازاین تفاسیر ارائه نموده است و گفته است: آنچه از بین صلب و ترائب خارج می‌گردد، خود جنین است؛ نه ماء دافق. بنابراین او بیان نموده است که ماء دافق از منطقه‌ای که بین صلب و ترائب باشد خارج نمی‌گردد (شفقه، ۱۴۰۷ق: ۸۴ ـ ۲۸۲). دلایلی نیز بر این نظر ارائه نموده است: ضمیر «رَجْعِهِ» در آیه «إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٍ»(طارق/۸) و همین‌طور ضمیر «له» در آیه «فَما لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَ لا ناصِرٍ»(طارق/۱۰) به انسان برمی‌گردد که قبل از ماء دافق در آیه ذکرشده است. بنابراین به طریق أولی ضمیر فعل «یخرج» نیز به انسان برمی‌گردد (همان/ ۲۸۴). برخی پژوهشگران نیز در تایید این دیدگاه گفته‌اند: «آیه در مقام تبیین خروج جنین از رحم زن است. خداوند با عرضه مثالی محسوس و ملموس از دنیوی یعنی تولد انسان و خروج از رحم مادر می‌خواهد توجه او را به رجع و بازگشت نهایی و خروج از قبر و ورود به صحنه قیامت جلب کند. نظیر خروج از خاک‌های نرم و سنگ‌های سخت قبر» (برومند، ۱۳۸۸ش: ۵۰).

٦. بررسی و تحلیل آیه و دلایل دیدگاه مختار

حقیقت این است که این اختلاف‌نظرها، از عدم توجه به موضوع سوره و سیاق آیات و برقراری ارتباط بین آیات این سوره نشئت‌گرفته است؛ بنابراین اختلاف‌نظر در مورد آیات (اجزا) را فقط در پرتو بررسی جمعی و کلی سوره (کل) با توجه به هدف اصلی سوره، می‌توان برطرف کرد.

الف) وحدت موضوعی سوره و نقش آن در فهم آیات

هر سوره دارای یک جامعیت واحد است که در انسجام و به هم‌پیوستگی آیات نقش دارد (خامه گر، ۱۳۹۵ ش: ۲۹)؛ لذا لازم است موضوع سوره به‌عنوان محور و مدار فهم آیاتی مدنظر باشد که آن آیات حول محور همان موضوع نازل‌شده است (شحاته، ۱۳۶۹: ۲۷). موضوع سوره مبارکه طارق در پاسخ معترضان و منکران قیامت است که به بیان قدرت مطلق الهی و استدلال بر بازگشت نهایی (معاد) تأکید دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲ ق، ج ۲۰: ۲۵۸)؛ بنابراین سوگندهای مطرح‌شده در سوره به‌عنوان دلیلی بر رستاخیز ذکرشده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۶: ۲۷۳) اگر موضوع سوره طارق درباره انسان و بازگشت نهایی آن است؛ مدار فهم آیات بر محور همین موضوع باید معنا شود. در آیات سوره طارق در مقابل منکران معاد به سه امور برگشت‌پذیر که همواره در طبیعت تکرار می‌شود و جلوه‌ای از قدرت خداوند برای امور برگشت‌پذیر و زنده کردن مردگان است؛ استدلال شده است:

۱. قرآن کریم در آیات متعدد برای اثبات معاد به مراحل مختلف خلقت انسان از آغاز پیدایش تا دوران پیری استدلال نموده است. در سوره طارق بر اساس تناسب موضوع که بازگشت نهایی انسان است: «إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٌ» (طارق/۸) به دو مرحله خلقت استدلال شده است: یکی آغاز پیدایش: نطفه مختلف که حرکت نموده و در رحم قرار می‌گیرد (ماء دافق) و دیگری خروج جنین از رحم که آیه موردبحث بیانگر آن است. حقیقتاً تکامل پرورش جنین در رحم و خروج از رحم جلوه‌ای از قدرت‌نمایی خداوند است که راه خروج آن و انتقال به دنیا را سهل و آسان نموده است: ﴿مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَه ثُمَّ السَّبيلَ يَسَّرَهُ﴾ (عبس/۲۰ ـ ۱۹)

۲. سوگند به آسمان پرباران: ﴿وَ السَّماءِ ذاتِ الرَّجْعِ﴾ (طارق/۱۱) گویا این آیه از یک سنت الهی پرده برمی‌دارد که همه چیز برگشت‌پذیر است: ﴿كما بَدَأْنا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعيدُه﴾ (انبیاء/۱۰۴) ؛ روزی که آسمان به‌صورت دود برمی‌گردد: ﴿يَوْمَ تَأْتِي السَّماءُ بِدُخانٍ مُبين﴾ (دخان/۱۰)، و بخار متصاعد، بعد از تبدیل‌شده به ابرهای باران‌زا (نبأ/۱۴) به‌صورت باران از آسمان برای زنده نمودن مردگان و رویانیدن گیاهان برمی‌گردد: ﴿وَ هُوَ الَّذي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْء﴾ (انعام/۹۹)؛ بنابراین این آیه استدلال دیگری است بر بازگشت انسان.

۳. سوگند به زمین پرشکاف: ﴿وَ الْأَرْضِ ذاتِ الصَّدْعِ﴾ این آیه بیانگر سنت دیگر

الهی است که هرچه در زمین فرورود دوباره شکاف برداشته و امانت‌های خود را بیرون می‌ریزد: از روییدن گیاهان و دانه‌ها ﴿لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَباتاً﴾ (نباء/۱۵) تا مبعوث شدن انسان‌ها: ﴿وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها﴾ (زلزله/۲) که در آیات متعدد قرآن کریم به از شدت شکافتن زمین: ﴿ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا﴾ (عبس/۲۷) » و روییدن گیاهان و به اهتزاز در آمدن از هر گل و گیاهی: ﴿فَإِذا أَنْزَلْنا عَلَيْهَا الْماءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ (حج/۵) به‌عنوان رستاخیز طبیعت و نمونه‌های عینی از زنده شدن مردگان بر اثبات بازگشت نهایی انسان استدلال شده است که همین خداوند قادر است او را از میان خاک‌های نرم و سنگلاخ‌ها زنده نماید. مولوی در دیوان شمس خود این صحنه را به زیبایی به تصویر کشیده است:

«کدام دانه فرورفت در زمین نرُست چرا به دانه انسانت این گمان باشد»

(مولوی، غزل ش ۹۱۱)

بنابراین این سه موضوع باهم تناسب دارند: قرار گرفتن نطفه در رحم و خروج جنین از آن؛ بازگشت باران از آسمان برای احیای زمین‌ها مرده و شکافتن زمین و خارج شدن گیاهان و دانه‌ها و شکوفایی و روییدن آن‌ها. همه این‌ها بیانگر یک سنت الهی هستند؛ از امور برگشت‌پذیر که جلوه‌ای از قدرت‌نمایی خداوند در امور طبیعت است و استدلال روشنی است بر بازگشت نهایی انسان.

ب) سیاق آیات

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرائِرُ فَما لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَ لا ناصِرٍ﴾ (طارق/۱۰ـ۵). با توجه به موضوع و محور سخن در آیات سوره طارق که درباره انسان و بازگشت نهایی آن است؛ لذا بر اساس سیاق آیات، احتمال اینکه ضمیر فعل «یخرج» در آیه ﴿يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ﴾ (طارق/۷) به انسان برگردد و مراد از آن خروج جنین از رحم و مرحله ولادت باشد؛ تقویت می‌گردد، چون موضوع اصلی آیات خلقت انسان و بازگشت نهایی اوست نه اینکه «ماء دافق» از کجا نشاء گرفته است. ممکن است گفته شود: چون ازنظر ادبی ضمیر به نزدیک‌ترین مرجع برمی‌گردد، بنابراین ضمیر فعل «یخْرُجُ» به «ماء دافق» برمی‌گردد، نه انسان. اول اینکه: این امر کاربرد همیشگی و مطلق ندارد و باید ضمیر به مرجع مناسب برگردد. دوم اینکه: اگر این دیدگاه درست باشد، بایستی ضمایر «رَجْعِهِ» و «لَهُ» در آیات بعدی ﴿إِنَّهُ عَلى رَجْعِهِ لَقادِرٌ... فَما لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَ لا ناصِرٍ﴾ (طارق/ ۸ و ۱۰) به «ماء دافق»

برگردد که مرجع نزدیک‌تر است. درحالی‌که همه اتفاق‌نظر دارند که مرجع ضمایر بـه انسـان برمی‌گـردد که موضوع سـخن در این آیات اسـت و روز قیامت سـخن از بازگشت انسان است نه «ماء دافق».

ج) آیات دیگر قرآن

آیـه ۵ سـوره حـج با آیات موردنظر تناسـب دارد کـه در آن به مرحله اسـتقرار نطفه در رحم و خروج آن به‌صورت طفل تصریح‌شـده اسـت: ﴿ونُقِرُّ فِي الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً﴾ (حـج/۵) «و جنین‌هایـی را کـه بخواهیم تا مـدّت معینـی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم؛ و بعد شـما را به‌صورت طفل بیرون می‌آوریم». در این آیه سـوره حج برای اثبات روز رستاخیز در مقابل تردیدکنندگان به رستاخیز طبیعت و زنده شدن زمین مرده و به اهتزاز درآمدن و روییدن گیاهان نیز اشاره‌شـده اسـت که با آیات دیگر سـوره طارق(۱۱ و ۱۲) و محتوای اصلی سـوره تناسب دارد.

علاوه بر این، قرآن کریم در آیات متعدد هم برای رستاخیز طبیعت و رویش گیاهان (انعـام/۹۹، یـس/۳۳، نبأ/۱۵، عبس/۲۷) و هم برای مرحله ولادت انسـان، از فعل «خرج» و مشـتقات آن اسـتفاده نموده اسـت که با آیه موردبحث تناسـب دارد: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُم﴾ (نحل/۷۸)، ﴿هُوَ الَّذی خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يخْرِجُكُمْ طِفْلاً﴾ (غافر/۶۷، حج /۵).

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی نظرات و دیدگاه‌ها می‌توان بر نکات زیر به‌عنوان نتایج این پژوهش تأکید نمود:

۱. مسـئله و ابهـام اصلـی در خصـوص بـا پیش‌فـرض اینکـه مرجـع ضمیـر فعـل «یخـرج» در آیـه «یخرج من بین الصلب والترائب» به «ماء دافـق» برمی‌گردد؛ به وجود آمده اسـت؛ یعنی نطفه انسـان (ماء دافق) چگونه از میان سـتون فقرات و قفسـه سـینه خارج می‌گردد؟ همین مسئله سـبب ایجاد معرکه آراء تفسیری میان مفسـران و پژوهشـگران و موجـب شـبهه افکنـی معانـدان و منکـران شـده اسـت. برخی پژوهشـگران نیز در تحقیق مسـتقل سعی نموده‌اند؛ توجیه علمی بر آن ذکر نمایند. اما قرائن کلامی ازجمله: سـیاق و لزوم توجه به معنای صحیح واژگان این دیدگاه‌ها را غیرقابل‌پذیرش نموده است.

۲. احتمـال دیگـر وجـود دارد کـه ضمیـر در آیـه موردنظـر بـه انسـان برمی‌گـردد. بنابرایـن آیـه موردبحـث بـه مرحله ولادت و خـروج جنین از میان سـتون فقرات و

قفسه سینه اشاره دارد و این مسئله نمونه عینی و جلوه‌ای از قدرت‌نمایی خداوند برای استدلال به بازگشت نهایی انسان و معاد است. برای این دیدگاه، علاوه پرمعنای صحیح واژگان، دلایل متعددی از قرائن درون‌متنی و برون‌متنی ارائه شد که عبارت‌اند از: موضوع سوره: استدلال بر منکران معاد برای بازگشت انسان؛ سیاق درونی آیات و تناسب موضوعات آن‌ها: استدلال بر امور برگشت‌پذیر از طبیعت و مرجع ضمایر در آیات متعدد و هماهنگی برخی آیات دیگر قرآن ازجمله آیه ۵ سوره حج.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابـن جـوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ ق). ***زادالمسیر فی علم التفسیر***. محقـق: عبدالرزاق المهدی. چاپ اول. بیروت: دارالکتاب العربی.

ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی‌تا). ***المحکم و المحیط الأعظم***. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن کثیر، اسـماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). ***تفسیر القرآن العظیم***. محقق: محمدحسین شمس‌الدین. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸ م). ***جمهرة اللغة***. چاپ اول. بیروت: دار العلم للملایین.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). ***لسان العرب***. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.

ازدی، عبدالله بن محمد. (بی‌تا). ***کتاب الماء***. چاپ اول. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران - موسسه مطالعات تاریخ پزشکی. (ش)

ازهری، محمد بن احمد. (بی‌تا). ***تهذیب اللغة***. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

آقایـی، سـینا. (۱۴۰۰ ش). «بررسـی و نقد آراء مفسـران پیرامـون اعجاز علمی صلب وترائـب در قرآن کریم». ***نشریه پژوهش‌های علم و دین***. شماره ۲۴. صص ۶۴ ـ ۲۹.

آلوسـی، سـید محمود. (۱۴۱۵ ق). ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***. چاپ اول. بیـروت: دارالکتب العلمیه.

آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴ ش). ***ترجمه قرآن (آیتی)***. ایران- تهران: انتشارات سروش.

البـار، محمدعلـی. (۱۴۱۵ ق). ***خلـق الانسـان بیـن الطـب و القـرآن***. چـاپ دهـم. عربیـة السـعودیة: دارالسعودیة.

امامـی میبـدی، سـید جلـی؛ صحرایی اردکانـی، کمال. (۱۴۰۰ ش). «نگرشـی نـو پیرامون آیات ۵ تا ۷ سـوره طارق با تاکید بر نقد آراء موجود». ***نشریه مطالعات تفسیری***. صص ۴۰ ـ ۲۵.

بابایی، علی اکبر. (۱۳۹۷ ش). ***قواعد تفسیر قرآن***. چاپ سوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

برومند، محمدحسـین. (۱۳۸۸ ش). «نقد آراء مفسـران درباره مفهوم آیه یخرج من بین الصلب و الترائب». ***مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث***. شماره ۱. صص ۵۵ ـ ۴۳.

بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵ ش). ***فرهنگ ابجدی***. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلامی.

جوهـری، اسـماعیل بن حمـاد. (۱۴۲۵ ق). ***الصحاح***. مصحـح: احمد عبدالغفور عطار. چـاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.

حجتی، مهدی. (۱۳۸۴ ش). ***گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)***. ایران- قم: بخشایش.

حمیری، نشـوان بن سـعید. (بی‌تا). ***شـمس العلوم***. چاپ اول. محقق و مصحح: مطهر بن علی اریانی و یوسف محمد عبدالله و حسین بن عبدالله عمری. دمشق: دارالفکر.

خامـه گـر، محمد. (۱۳۹۵ ش). ***سـاختار هندسـی سـوره‌های قرآن***. چـاپ اول. تهران: سـازمان تبلیغات اسلامی.

خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ ش). ***تفسیر خسروی***. محقق: بهبودی، محمدباقر. چاپ اول. ایران- تهران: کتابفروشی اسلامیه.

رضایـی اصفهانـی، محمدعلـی و همـکاران. (۱۳۸۳ ش). ***ترجمـه قـرآن***. قـم: مؤسسـه تحقیقاتـی فرهنگی دارالذکر.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۷۵ ش). ***درآمدی بر تفسیر علمی قرآن***. چاپ اول. قم: اسوه.

رضایـی اصفهانـی، محمدعلـی. (۱۳۸۱ ش). ***پژوهشـی در اعجـاز علمـی قرآن***. چاپ سـوم. رشـت: کتاب مبین.

زاهدی، عبدالرضا؛ اسـمی، صمد؛ خوش‌نیت، غلامرضا. (۱۳۹۷ ش). «بررسـی شبکه معنایی نطفه در قرآن با پاسخ به شبهات». ***انسان پژوهی دینی***. شماره ۳۹، پیاپی ۳۹. صص ۲۰۶ ـ ۱۸۷.

زبیدی، مرتضی. (بی‌تا). ***تاج العروس***. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.

زندانی، عبدالمجید. (۱۴۳۲ ق/۲۰۱۱ م). ***علم الاجنة فی ضوء القران و السنّة***. الطبعة الأولی. بیروت.

سادلر، توماس. (۱۳۹٤ ش). ***جنین‌شناسی پزشکی لانگمن***. مترجم: غلامرضا حسن‌زاده و همکاران. ویرایش سیزدهم. تهران: ابن‌سینا.
سعدی، داود سلمان. (۱٤۱٤ ق/۱۹۹٤ م). ***أسرار خلق الانسان العجایب فی الصلب و الترائب***. الطبعة الأولی. بیروت: دارالحرف العربی.
سها. (۱۳۹۳ ش). ***نقد قرآن***. بی‌جا: بی‌نا.
شحاته، عبدالله محمد. (۱۳٦۹ ش). ***درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها***. مترجم: محمد باقر حجتی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۷٤ ش). ***قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات (شعرانی)***. ایران- تهران: کتابفروشی اسلامیه.
شفقه، مأمون. (۱٤۰۷ ق). ***القرار المکین***. الطبعة الثانیة. الامارات: دارالآداب.
شیبانی، اسحاق بن مرار. (بی‌تا). ***کتاب الجیم***. محقق و مصحح: ابراهیم ابیاری. چاپ اول. قاهره: الهیئه العامه لشئون المطابع الامیریه.
صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (بی‌تا). ***المحیط فی اللغة***. محقق: محمدحسین آل یاسین. چاپ اول. بیروت: عالم الکتب.
طالقانی، سید محمود. (۱۳٦۲ ش). ***پرتوی از قرآن***. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
طاهری قزوینی، علی‌اکبر. (۱۳۸۰ ش). ***ترجمه قرآن (طاهری)***. ایران- تهران: قلم.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***. محقق: محمدجواد بلاغی. جلد ۸. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱٤۱۲ ق). ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفه.
عباس‌نژاد، محسن. (۱۳۸۵ ش). ***قرآن و طب***. چاپ اول. مشهد مقدس: موسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). ***کتاب العین***. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
فیومی، احمد بن محمد. (۱٤۱٤ ق). ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی***. چاپ دوم. قم: موسسه دار الهجرة.
قربان پور، حمید. (۱۳۹٦ ش). «بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر از آیات ششم و هفتم سوره طارق». ***فصلنامه مطالعات نقد ادبی***. صص ۱۵۱-۱۲٦.
قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳٦٤ ش). ***الجامع لأحکام القرآن***. چاپ اول. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱٤۰۳ ق). ***بحار الأنوار***. چاپ دوم. بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
مراغی، احمد بن مصطفی. (بی‌تا). ***تفسیر المراغی***. چاپ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
مغنیه، محمدجواد. (بی‌تا). ***التفسیر المبین***. چاپ سوم. قم: بنیاد بعثت.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳ ش). ***ترجمه قرآن (مکارم)***. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷٤ ش). ***تفسیر نمونه***. چاپ اول. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸٤ ش). ***ترجمه قرآن (گرمارودی)***. ایران- تهران: قدیانی.
مولوی، جلال الدین محمد. (بی‌تا). ***دیوان شمس مولوی***. بی‌جا: کتابچین.
نوبری، علی رضا و نصیری، علی. (۱۳۹۰ ش). «آفرینش انسان از نگاه قرآن با تأکید بر آیات سوره طارق». ***نشریه مطالعات تفسیری***. شماره ۷. صص ۱۰۸-۹۳.
نورمحمدی، غلامرضا. (۱۳۸۸ ش). «مراحل رشد جنین از منظر قرآن». ***پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم***. شماره ۲. صص ۱٦-۵.

References

The Holy Qur'an.

Ibn al-Jawzi, ʿAbd al-Rahman ibn ʿAli. (1422 AH). Zad al-Masir fi ʿIlm al-Tafsir (Provisions for the Journey in the Science of Qur'anic Exegesis). Edited by ʿAbd al-Razzaq al-Mahdi. 1st ed. Beirut: Dar al-Kitab al-ʿArabi.

Ibn Sida, ʿAli ibn Ismaʿil. (n.d.). Al-Muhkam wa al-Muhit al-Aʿzam (The Definitive Dictionary and the Great Compendium). 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-ʿIlmiyya.

Ibn Kathir, Ismaʿil ibn ʿUmar. (1419 AH). Tafsir al-Qur'an al-ʿAzim (Exegesis of the Great Qur'an). Edited by Muhammad Husayn Shams al-Din. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-ʿIlmiyya.

Ibn Durayd, Muhammad ibn al-Hasan. (1988). Jamharat al-Lugha (The Comprehensive Lexicon). 1st ed. Beirut: Dar al-ʿIlm lil-Malayin.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (n.d.). Lisan al-ʿArab (The Language of the Arabs). 3rd ed. Beirut: Dar Sadir.

Al-Azdi, ʿAbd Allah ibn Muhammad. (n.d.). Kitab al-Må (The Book of Water). 1st ed. Tehran: Iran University of Medical Sciences, Institute for the History of Medicine. (In Arabic)

Al-Azhari, Muhammad ibn Ahmad. (n.d.). Tahdhib al-Lugha (Refinement of the Language). 1st ed. Beirut: Dar Ihyå al-Turath al-ʿArabi.

Aghaei, Sina. (2021). "An Examination and Critique of Exegetes' Views on the Scientific Miraculousness of Ṣulb and Tarāʾib in the Holy Qur'an." Research in Science and Religion, no. 24, pp. 29–64. (In Persian)

Al-Alusi, Sayyid Mahmud. (1415 AH). Ruh al-Maʿani fi Tafsir al-Qur'an al-ʿAzim (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Magnificent Qur'an). 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-ʿIlmiyya.

Ayati, ʿAbd al-Muhammad. (1995). Translation of the Qur'an (Ayati). Tehran, Iran: Soroush Publications. (In Persian)

Al-Barr, Muhammad ʿAli. (1415 AH). Khalq al-Insan bayn al-Tibb wa al-Qur'an (Human Creation between Medicine and the Qur'an). 10th ed. Saudi Arabia: Dar al-Saʿudiyya. (In Arabic)

Emami Meybodi, Sayyid Jalil, and Kamal Sahraei Ardakani. (2021). "A New Perspective on Verses 5–7 of Surah al-Tariq, with an Emphasis on Critiquing Existing Views." Studies in Qur'anic Exegesis, pp. 25–40. (In Persian)

Babaei, Ali Akbar. (2018). Principles of Qur'anic Exegesis. 3rd ed. Qom: Research Institute of Hawzah and University and SAMT Publications. (In Persian)

Boroumand, Muhammad Husayn. (2009). "A Critique of Exegetes' Views on the Meaning of the Verse 'Yakhruju min bayni al-ṣulbi wa al-tarāʾib.'" Journal of Qur'anic Research and Hadith Studies, no. 1, pp. 43–55. (In Persian)

Bustani, Fuʾad Afram. (1996). Abjadi Dictionary. 2nd ed. Tehran: Islamic Publications. (In Persian)

Al-Jawhari, Ismaʿil ibn Hammad. (1425 AH). Al-Sihah. Edited by Ahmad ʿAbd al-Ghafur ʿAttar. 1st ed. Beirut: Dar al-ʿIlm lil-Malayin.

Hojjati, Mahdi. (2005). A Flower from God's Garden: Translation of the Qur'an. Qom, Iran: Bakhshayesh Publications. (In Persian)

Al-Himyari, Nashwan ibn Saʿid. (n.d.). Shams al-ʿUlum (The Sun of the Sciences). Edited and revised by Mutahhar ibn ʿAli al-Aryani, Yusuf Muhammad ʿAbd Allah, and Husayn ibn ʿAbd Allah al-ʿUmari. 1st ed. Damascus: Dar al-Fikr.

Khamegar, Muhammad. (2016). The Geometric Structure of Qur'anic Surahs. 1st ed. Tehran: Islamic Propagation Organization. (In Persian)

Khosravani, ʿAli Reza. (2011). Tafsir Khosravi. Edited by Muhammad Baqir Beh-

budi. 1st ed. Tehran, Iran: Islamiyah Bookstore. (In Persian)
Rezaei Esfahani, Muhammad ʿAli, et al. (2004). Translation of the Qur'an. Qom: Dar al-Dhikr Institute for Cultural Research. (In Persian)
Rezaei Esfahani, Muhammad ʿAli. (1996). An Introduction to the Scientific Exegesis of the Qur'an. 1st ed. Qom: Osveh Publications. (In Persian)
Rezaei Esfahani, Muhammad ʿAli. (2002). A Study of the Scientific Miraculousness of the Qur'an. 3rd ed. Rasht: Ketab-e Mobin Publications. (In Persian)
Zahedi, ʿAbd al-Reza, Samad Esmi, and Gholamreza Khoshniyat. (2018). "An Examination of the Semantic Network of Nutfa in the Qur'an in Response to Objections." Religious Anthropology, vol. 39, no. 39, pp. 187–206. (In Persian)
Al-Zabidi, Murtada. (n.d.). Taj al-ʿArus (The Crown of the Bride). 1st ed. Beirut: Dar al-Fikr.
Zendani, ʿAbd al-Majid. (2011). Embryology in the Light of the Qur'an and Sunnah. 1st ed. Beirut. (In Arabic)
Sadler, Thomas. (2015). Langman's Medical Embryology. Translated by Gholamreza Hasan-Zadeh et al. 13th ed. Tehran: Ibn Sina Publications. (In Persian)
Saʿdi, Dawud Salman. (1994). Asrar Khalq al-Insan: al-ʿAjåib fi al-Ṣulb wa al-Tarāʾib (Secrets of Human Creation: Wonders of the Ṣulb and Tarāʾib). 1st ed. Beirut: Dar al-Harf al-ʿArabi. (In Arabic)
Soha. (2014). Naqd-e Qur'an (Critique of the Qur'an). Place of publication unknown: Publisher unknown. (In Persian)
Shehata, ʿAbd Allah Muhammad. (1990). An Introduction to Research on the Aims and Objectives of Qur'anic Surahs. Translated by Muhammad Baqir Hojjati. Tehran: Nashr-e Farhang-e Eslami. (In Persian)
Shaʿrani, Abu al-Hasan. (1995). The Glorious Qur'an with Persian Translation and the Merits of Surahs and Verses (Shaʿrani). Tehran, Iran: Islamiyah Bookstore. (In Persian)
Shafaqa, Måmun. (1407 AH). Al-Qarar al-Makin. 2nd ed. United Arab Emirates: Dar al-Adab. (In Arabic)
Al-Shaybani, Ishaq ibn Marrar. (n.d.). Kitab al-Jim (The Book of the Letter Jim). Edited and revised by Ibrahim al-Abyari. 1st ed. Cairo: General Authority for Amiri Press Affairs.
Sahib ibn ʿAbbad, Ismaʿil ibn ʿAbbad. (n.d.). Al-Muhit fi al-Lugha (The Comprehensive Dictionary of Language). Edited by Muhammad Husayn Al Yasin. 1st ed. Beirut: ʿAlam al-Kutub.
Taleghani, Sayyid Mahmud. (1983). Partovi az Qur'an (A Ray of Light from the Qur'an). 4th ed. Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar. (In Persian)
Taheri Qazvini, Ali Akbar. (2001). Translation of the Qur'an (Taheri). Tehran, Iran: Qalam Publications. (In Persian)
Al-Tabarsi, Fadl ibn al-Hasan. (1993). Majmaʿ al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (The Compendium of Exposition in Qur'anic Exegesis), vol. 8. Edited by Muhammad Javad Balaghi. 3rd ed. Tehran: Naser Khosrow Publications.
Al-Tabari, Abu Jaʿfar Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). Jamiʿ al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (The Comprehensive Exposition of Qur'anic Exegesis). 1st ed. Beirut: Dar al-Maʿrifa.
Abbasnejad, Mohsen. (2006). The Qur'an and Medicine. 1st ed. Mashhad: Foundation for Qur'anic Research in the Hawzah and University, Publications Institute. (In Persian)
Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (n.d.). Kitab al-ʿAyn (The Book of ʿAyn). 2nd ed. Qom: Hijrat Publications.
Al-Fayyumi, Ahmad ibn Muhammad. (1414 AH). Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-

Sharh al-Kabir lil-Rafiʿi (The Illuminating Lamp: An Exposition of Uncommon Terms in al-Rafiʿi's Great Commentary). 2nd ed. Qom: Dar al-Hijra Institute.
Ghorbanpour, Hamid. (2017). "An Examination and Critique of Contemporary Translations of Verses 6 and 7 of Surah al-Tariq." Quarterly Journal of Literary Criticism Studies, pp. 126–151. (In Persian)
Al-Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. (1985). Al-Jamiʿ li-Ahkam al-Qur'an (The Compendium of Qur'anic Rulings). 1st ed. Tehran: Naser Khosrow Publications.
Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. (1403 AH). Bihar al-Anwar (Oceans of Light). 2nd ed. Beirut: Dar Ihyà al-Turath al-ʿArabi.
Al-Maraghi, Ahmad ibn Mustafa. (n.d.). Tafsir al-Maraghi (Al-Maraghi's Qur'anic Exegesis). 1st ed. Beirut: Dar Ihyà al-Turath al-ʿArabi.
Mughniya, Muhammad Jawad. (n.d.). Al-Tafsir al-Mubin (The Clear Exegesis). 3rd ed. Qom: Baʿthat Foundation.
Makarem Shirazi, Naser. (1994). Translation of the Qur'an (Makarem). Qom: Office for Studies in Islamic History and Teachings. (In Persian)
Makarem Shirazi, Naser. (1995). Tafsir-e Nemuneh (The Exemplary Exegesis). 1st ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
Mousavi Garmaroodi, Ali. (2005). Translation of the Qur'an (Garmaroodi). Tehran, Iran: Qadyani Publications. (In Persian)
Rumi, Jalal al-Din Muhammad. (n.d.). Divan-e Shams-e Tabrizi (The Divan of Shams of Tabriz). Place of publication unknown: Ketabchin Publications. (In Persian)
Noubari, Ali Reza, and Ali Nasiri. (2011). "Human Creation from the Qur'anic Perspective, with an Emphasis on the Verses of Surah al-Tariq." Studies in Qur'anic Exegesis, no. 7, pp. 93–108. (In Persian)
Noormohammadi, Gholamreza. (2009). "Stages of Embryonic Development from the Qur'anic Perspective." Interdisciplinary Research in the Holy Qur'an, no. 2, pp. 5–16. (In Persian)